

بسم الله الرحمن الرحيم

جایگاه عقل و دین از منظر علامه طباطبائی

هایده نظری محمدی^۱

چکیده

یکی از مباحث مهم در دین جایگاه عقل در دین است، که در پژوهش پیش رو نظر علامه طباطبائی مورد تحلیل و بررسی قرار می گیرد، استدلال و برهان عقلی جنبه فطری دارد و هدف دین این است که مردم از استدلال منطقی و عقلی بهرمنند شوند، که آیات قرآن نه تنها روش استدلال عقلی_فلسفی را تایید می کنند بلکه بسیاری از آیات باهمین روش به بیان و اثبات مطلوب خود پرداخته، و مقصود عقل در کلام خدا، ادراکی است که عقل و معارف قطعی مقدم بر شرع و معارف ظنی است، عقل، قلب و شرع هر سه ترجمه معنای واحد و حاکی یک حقیقت و واقعیت می باشند. در این مقاله تلاش می شود ماهیت ایمان، متعلق ایمان و رابطه ایمان و عقل از دیدگاه علامه طباطبائی مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد، و در تبیین مفهوم ایمان میتوان گفت ایمان اعتقاد و باور صرف نیست؛ بلکه تصدیق قلبی در ایمان دخالت دارد، و نیازمندی بشر به پیامبران و احکام شرعی حجت دیگری بر صحت محدودیت عقل بشری است که برای درک حقایق و مقاصد دینی، سه راه ارائه شده که در ادامه خواهید دید.

کلیدواژه

جایگاه عقل، علامه طباطبائی، ماهیت ایمان، منبع بودن عقل.

^۱ طلبه سطح دو- حوزه علمیه صادقیه تبریز hydi380380@gmail.com

مقدمه

رابطه عقل و دین از چالش برانگیزترین مسائل مورد توجه فیلسوفان و الهی‌دانان از دیرباز بوده و در فلسفه معاصر بیشتر به آن پرداخته‌اند. اهمیت این مساله از آن جهت می‌باشد که ایمان از مهمترین و حیاتی‌ترین مسائل زندگی بشری است که با همه وجود انسان ارتباط دارد و کل هستی و زندگی او را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. عقل نیز وسیله ارزیابی و ترجیح رفتارهای خاص و سامان‌دهنده ابعاد درونی انسان است. بازخوانی، تحلیل و مقایسه دیدگاه متفکران در رابطه این دو حقیقت، راهگشای انسان ابتدائاً در تنظیم رابطه عقل و ایمان در مسیر باورمندی به معارف دینی و سپس نیل به بالاترین مصالح در ساحت عمل خواهد بود. آیا ایمان مبتنی بر عقل است یا اینکه فعالیت ضدعقلانی دارد؟ در مواجهه متفکران جهان غرب و مسیحیت با این مساله، دو دیدگاه متضاد، وجود دارد. دیدگاه اول از آن کسانی است که معتقدند ایمان را با عقل سروکاری نیست و باورهای ایمان با عقل ناسازگار است. این گروه به ایمان‌گرایان مشهورند؛ از نمایندگان این گروه کی‌یرکگارد، پاسکال و الوین پلانتینگا می‌باشد. در مقابل، گروه دوم متکلمان و فیلسوفانی چون توماس آکویناس، ایمانوئل کانت و ریچارد سویین‌برن برآنند که عقل و ایمان با هم سازگاری دارند و ایمان باید مبنای عقلی داشته باشد. رابطه بین عقل و ایمان به آن شدتی که در جهان مسیحیت مورد بحث بوده است، در جهان اسلام مطرح نبوده؛ چرا که هماهنگی کلی عدم تعارض عقل و دین مفروض متفکران و نحله‌های عقلی و فلسفی اسلامی بوده است. در این رابطه اسلام عقل و دین را دو موهبت الهی و مؤید یکدیگر معرفی می‌کند که خالق به بشر ارزانی داشته است؛ آدمی با این دو به سعادت جاودانه می‌رسد. قرآن کریم، ایمان و شناخت را بر پایه تعقل و تفکر گذاشته است.

یکی از جاهایی که امکان تعارض بین حکم عقل و نقل وجود دارد، موردی است که دلیل عقلی قطعی با ظاهر دلیل نقلی ناسازگار باشد. مرحوم علامه در حواشی خود بر بحارالانوار به بررسی صورت فوق پرداخته است. از نظر ایشان، در صورت فوق بدون شک، دلیل قطعی عقلی بر دلیل ظنی نقلی مقدم خواهد بود؛ زیرا:

(الف) حجیت و اعتبار ظواهر دینی متوقف بر برهان عقلی است؛

(ب) احکام عقلی استثنابردار نیستند؛ یعنی این گونه نیست که عقل بر مطلبی برهان اقامه کند، اما در برخی موارد (مثلاً در صورت عدم تعارض با ظواهر دینی) نتیجه برهان را بپذیرد

و در برخی موارد (مثلا در صورت تعارض با ظواهر دینی) از قبول نتیجه برهان خودداری کند؛ بلکه عقل در پذیرش نتیجه برهان، مضطر است؛ یعنی وقتی بر مطلبی برهانی اقامه نماید، ناگزیر نتیجه آن برهان را قبول خواهد کرد بنابراین احکام عقلی تخصیص بردار نیستند؛ ج) ظواهر دینی بر ظهور لفظی متوقف است و ظهور لفظی از ادله ظنی است و روشن است که ظن را قدرت مقابله با علم حاصل از برهان نیست. نتیجه‌ای که از مقدمات فوق حاصل می‌شود این است که در صورت تعارض دلیل قطعی عقلی با ظاهر ظنی نقلی، حکم عقل مقدم است: «الآخذ بالبراهین فی أصول الدین ثم عزل العقل فی ما ورد فیہ آحاد الاخبار من المعارف العقلیة فلیس الامن قبیل إبطال المقدمه بالنتیجه التي تستنتج منها و هو صریح التناقض»¹.

پژوهشهایی در این خصوص صورت گرفته است، از جمله مقاله «جایگاه عقل در المیزان» از محمد بیدهندی است، در این مقاله به جایگاه عقل در المیزان و اهمیت آن از نظر علامه طباطبایی پرداخته است. پژوهش دیگری از محمد محمدرضایی تحت عنوان «رابطه عقل و ایمان» صورت گرفته که دیدگاه برخی از فیلسوفان غرب و اسلام را در این خصوص مورد بررسی قرار داده ولی به دیدگاه فیلسوفان ذکر شده در این مقاله نپرداخته است. در هرکدام از این پژوهشها به نظر یکی از فیلسوفان ذکر شده توجه شده است و هیچ‌گونه کار مقایسه‌ای و تطبیقی صورت نگرفته است.

از نظر علامه طباطبایی (فیلسوف برجسته نوصدرایی) اعتبار دین، معارف دینی و دلایل حجیت شرعی مبنای عقلی دارند که اگر نفی شود امکان اثبات حقانیت دین از بین می‌رود؛ زیرا احتجاج به کتاب و سنت از طریق خود کتاب و سنت دور و باطل است.

¹ طباطبایی، حواشی بحار الانوار، ج 1، ص 104؛ «التزام به براهین عقلی در اصول دین، و سپس عزل کردن عقل در معارف عقلیه ای که خبر واحد درباره آنها وارد شده است، از قبیل ابطال مقدمه به وسیله نتیجه‌ای است که از آن مقدمه استنتاج شده است و این چیزی جز تناقض نیست؛ به عبارت دیگر اگر ظواهر دینی، حکم عقل را ابطال کنند، در واقع خود را ابطال نموده‌اند؛ زیرا حجیت ظواهر نقلی به برهان عقلی ثابت می‌شود».

1- مفهوم‌شناسی

1-1. واژه عقل

عقل یا خرد قوه ادراکی است که با آن می‌توان به‌طور خودآگاهانه معنی‌ها را درک کرد، منطق را به کار برد، واقعیت‌ها را سازماندهی کرد یا صحت آن‌ها را بررسی نمود و بر اساس اطلاعات موجود یا اطلاعات جدید، باورها، شیوه‌ها یا نهادهای اجتماعی را تغییر داد یا توجیه کرد.¹ عقل معمولاً یکی از خصوصیات قطعی طبیعت انسان به‌شمار می‌آید و ارتباط نزدیکی با فعالیت‌های مخصوص به انسان‌ها دارد؛ چیزهایی مانند فلسفه، علم، زبان، ریاضیات و هنر. گاهی برای اشاره به عقل از عبارت‌های عقلانیت یا خردورزی استفاده می‌شود و در مواردی نیز در مقابل شهود از عنوان عقل گفتمانی استفاده می‌شود.

عقل یک نیروی درونی انسان است که کنترل‌کننده و مهارکننده امیال او می‌باشد.² عقل در لغت به معنای امساک و نگاهداری، بند کردن، باز ایستادن و منع چیزی است. در باره معنای لغوی عقل گفته شده است که عقل از «عقال» گرفته شده است؛ و «عقال» به معنای طنابی است که به وسیله آن زانوی شتر سرکش را می‌بندند و به این دلیل به عقل، عقل می‌گویند که این نیروی باطنی، شهوات و هواها و خواسته‌های شیطانی درون انسان را به بند می‌کشد. همچنین واژه عقل و مشتقات آن در لغت به معنای فهمیدن، دریافت کردن است.³ در قرآن کریم نیز به معنای فهم و ادراک آمده است.⁴ در روایات به معنای گوناگونی استعمال شده است که یکی از معانی آن، قوه تشخیص و ادراک و وادار کننده انسان به نیکی و صلاح و بازدارنده وی از شر و فساد است.⁵

در اصطلاح فلاسفه، عقل جوهر بسیطی است که مردم به وسیله آن واقعیت‌ها را دریافت می‌کنند. بنابراین، عقل دریافتن واقعیت است. علاوه بر دریافت حقایق، نگه دارنده نفس ناطقه و شرف دهنده آن نیز هست.⁶

¹ سهروردی، حکمت الاشراق، ص 23

² ولی زاده، روزنامه جام جم، ص 2

³ معین، فرهنگ معین، واژه عقل

⁴ سجادی، فرهنگ علوم فلسفی و کلامی، ماده عقل

⁵ کلینی، اصول کافی، ج 1، ص 11

⁶ کرجی، اصطلاحات فلسفی و تفاوت آنها با یکدیگر، ص 171-172

1-2. واژه ایمان

ایمان از واژه‌های کلیدی در حوزه معرفت دینی است که اساس، معیار و میزان در دینداری و بی‌دینی، منشاء سعادت و رستگاری و مایه ارزش اعمال آدمی قلمداد می‌گردد. ایمان مصدر باب افعال از ماده امن، یومن، ایمان است و در لغت به معنای وثوق و تصدیق^۱، اطمینان^۲، انقیاد و خضوع^۳ و در اصطلاح عبارت است از: اقرار به زبان، تصدیق و اذعان قلبی - که نوعی صفت و حالت نفسانی نسبت به یک امر است و با صرف شناخت و معرفت تفاوت دارد^۴ - و عمل نمودن با اعضا و جوارح^۵ است.

2- ویژگی های ایمان

در قرآن کریم و احادیث اسلامی ویژگی های مهمی برای ایمان مطرح شده است. بررسی این ویژگی ها میتواند شناخت روشن تری از ماهیت ایمان را در پی داشته باشد. با استناد به منابع دینی، بویژه قرآن می توان ویژگی های زیر را از ویژگی های اساسی ایمان بشمار آورد.

2-1. قلبی بودن ایمان

قلب جایگاه ایمان است. این ویژگی در آیات متعددی از قرآن بیان شده است. در این آیات گاه از عدم ورود ایمان در قلب کسانی که تنها به طور زبانی اظهار ایمان می کنند خبر داده شده، که بیانگر قلبی بودن ایمان است، و از این رو آمده است: «وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ»^۶ و هنوز در دلهای شما ایمان داخل نشده است. و گاه از کتابت ایمان در قلب مؤمنان سخن گفته شده، بنابراین می فرماید: «كُتِبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانُ»^۷ در دل اینهاست که [خدا] ایمان را نوشته است. و زمانی صحبت از افزایش ایمان از راه انزال سکینه و آرامش بر قلوب مؤمنان است از این

^۱ جزری، تاریخ حوادث الزمان، ج 1، ص 69

^۲ راغب اصفهانی، المفردات، ص 24

^۳ ابن منظور، لسان العرب، ج 1، ص 224

^۴ شیخ مفید، اوائل المقالات، ص 249

^۵ کلینی، کافی، ص 27

^۶ حجرات: 14

^۷ مجادله: 22

نتیجه‌گیری

علامه طباطبایی گوهر عقل را بزرگترین موهبت خدای متعال به انسان، مایه تمایز انسان با حیوان، وسیله ارتقای انسان به بالاترین درجات کمال و مؤلفه اصلی حیات انسانی می‌داند. در مواجهه متفکران جهان غرب و مسیحیت با این مسأله، دو دیدگاه متضاد، وجود دارد. دیدگاه اول از آن کسانی است که معتقدند ایمان را با عقل سروکاری نیست و باورهای ایمان با عقل ناسازگار است. از دیدگاه ایشان، قرآن کریم روش تفکر صحیح را بیان نکرده و تشخیص آن را به عقل فطری بشر وا گذاشته است و برآنند که عقل و ایمان باهم سازگاری دارند. در جای دیگر گفته است: مقصود از عقل در کلام الله، ادراکی می‌باشد که با بودن سلامت فطرت برای انسان حاصل می‌شود و زمانی که قوایی مانند شهوت و خشم بر عقل غلبه کند، عقل قادر به درک حقیقت نمی‌باشد، همین جا است که عقل پی می‌برد راه دیگری غیر از راه عقل ضروری است؛ و آن دین است. در دنیای اسلام عرفا بارزترین گروهی اند که بر محدودیت عقل تاکید فراوان کرده و می‌گویند عقل صلاحیت تحقیق و بررسی در همه امور را ندارد؛ سؤال شود که چه مرجعی چنین حکمی درباره عقل صادر کرده است در پاسخ خواهند گفت: توجه به مکانیسم احکام عقلی به حکم خود عقل محدودیت آن را مشخص می‌کند، نیازمندی بشر به پیامبران و احکام شرعی حجت دیگری بر صحت محدودیت عقل بشری است. ولی علامه معتقد است، قرآن کریم تفکر عقلی را امضاء کرده و آن را جزء تفکر دینی قرار داده است. ایشان، در معنای عقل می‌گوید: «کلمه عقل در لغت به معنای بستن و گره زدن است. به همین مناسبت ادراکاتی که انسان دارد و آنها را در دل پذیرفته و پیمان قلبی نسبت به آنها بسته، عقل نامیده‌اند و نیز مدرکات آدمی را و آن قوه‌ای را که در خود سراغ دارد و بوسیله آن خیر و شر و حق و باطل را تشخیص می‌دهد عقل نامیده‌اند. هیچ یک از این آیات نمی‌گویند مقصود مرا بی چون و چرا بپذیرید طریقه صحیح تفکر که عقل فطری بشر برای حصول یقین و اثبات مطالب به آن متوسل می‌شود، چیزی جز روش استدلال منطقی نیست، و دلیل عقلی بر دلیل ظنی نقلی مقدم خواهد بود؛ یعنی وقتی بر مطلبی برهانی اقامه نماید، ناگزیر نتیجه آن برهان را قبول خواهد کرد بنابراین احکام عقلی تخصیص بردار نیستند. بنابراین از دیدگاه ایشان روش تعقل منطقی و فلسفی یکی از منابع و سرچشمه‌های معرفت دینی است، و مراد از عقل، عقل اصطلاحی فلسفه است. ایشان تفریق و جداسازی دین و فلسفه را ظلمی عظیم می‌داند و می‌گوید: «حَقًّا إِنَّهُ لَظَلَمَ عَظِيمٌ أَنْ يَفَرِّقَ بَيْنَ الدِّينِ الْإِلَهِيِّ وَبَيْنَ الْفَلَسَفَةِ الْإِلَهِيَّةِ... وَالْأَنْبِيَاءِ وَإِنْ كَانُوا قَدِ اسْتَمَدُّوا مَعَارِفَهُمْ وَ مَبَادِي دَعْوَتِهِمْ مِنَ الْمَبْدَأِ الْغَيْبِيِّ

وارتضعوا ذلك من ثدى الوحي إلا أن الحقيقة هي أنه لا فرق بين مسلك الأنبياء في دعوتهم إلى صريح الحق وبين سلوك الإنسان بشعوره الفطري إلى نيل المعارف الإلهية. « این، دور از انصاف و ستمی آشکار است که بین ادیان آسمانی و فلسفه الهی جدایی بیفکنیم.... اصولاً بین روش انبیا در دعوت مردم به حق و حقیقت و بین آنچه انسان از طریق استدلال درست و منطقی به آن می‌رسد، فرقی وجود ندارد. تنها فرقی که هست، عبارت از این است که پیغمبران از مبدأ غیبی استمداد می‌جستند و از پستان وحی، شیر می‌نوشیدند. »، معارف دینی و دلایل حجیت شرعی مبنای عقلی دارند که اگر نفی شود امکان اثبات حقانیت دین از بین می‌رود.

با توجه به تعاریف مختلف علامه از ایمان می‌توان نتیجه گرفت که متعلق ایمان اموری نظری هستند نه بدیهی؛ ایمان اعتقاد و باور صرف نیست؛ بلکه تصدیق قلبی در ایمان دخالت دارد و جزیی از آن محسوب می‌شود. ایمان قلبی بدون التزام عملی و عمل به اعضا و ارکان ایمان نمی‌باشد، و ایمان برای تعداد محدودی از خواص از طریق کشف و شهود تام بدست می‌آید؛ وی ایمان حقیقی را واقعیتی تشکیکی و ذومراتب می‌داند که می‌تواند افزایش یا کاهش یابد.

گفته شده دلیلهای عقلی برای اثبات وجود خداوند معتبر نیستند؛ در حالی که هیچ‌کس این را قبول ندارد. وی می‌گوید: با دقت و تفحص در کتاب الهی متوجه می‌شویم که غالب بر سیصد آیه وجود دارد که انسان را به تفکر و تذکر و تعقل فرامی‌خواند؛ حتی یک مورد هم در قرآن مشاهده نشده که خداوند به بندگان امر کند که به قرآن یا هرچیزی که از جانب خداست؛ اوست نفهمیده ایمان بیاورند و کورکورانه راهی را انتخاب کنند. علامه عقل و معارف قطعی را مقدم بر شرع و معارف ظنی می‌داند یعنی عقل مقدم بر ایمان است

و از نظر ایشان آیات قرآن کریم نه تنها راه و روش استلال عقلی- فلسفی را تأیید می‌کنند بلکه بسیاری از آیات با همین روش به بیان و اثبات مطلوب خود پرداخته‌اند؛ و بر این باور بود که روایات ما مشحون از مسائل عقلیه عمیق و دقیق و مستند به برهان فلسفی و عقلی هستند که بدون خواندن فلسفه و منطق و ادراک طریق برهان و قیاس که همان رشد عقلی است، نمی‌توان به این دریای عظیم روایات وارد شد اعتقاد ایشان، عقل، قلب و شرع هر سه ترجمه معنای واحد و حاکی یک حقیقت و واقعیت می‌باشند. از این رو مخالفت هر سه اینها با همدیگر ممکن نیست.

فهرست منابع و مآخذ

* قرآن کریم

الف) کتاب های فارسی

- 1- جهانگیری، محسن، محیی الدین ابن عربی چهره برجسته عرفان اسلامی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، 1367 هـ.ش.
- 2- حسینی تهرانی، محمدحسین، مهر تابان، مشهد: انتشارات علامه طباطبائی، 1429 ق.
- 3- طباطبائی، محمدحسین، بررسیهای اسلامی، چاپ دوم، بوستان کتاب، قم، 1388 هـ.ش.
- 4- _____، حواشی بحارالانوار، چاپ دوم، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1402 هـ.ق.
- 5- _____، شیعه در اسلام، قم: دفتر انتشارات اسلامی، 1376 هـ.ش.
- 6- _____، رسالت تشیع در دنیای امروز، به کوشش هادی خسروشاهی. قم: بوستان کتاب، 1387 هـ.ش.
- 7- _____، علی و فلسفه الهی، مترجم: سیدابراهیم سیدعلوی، چاپ اول، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1388 هـ.ش.
- 8- مولوی، جلال الدین، مثنوی معنوی، تصحیح رینولدالین نیکلسون، تهران: امیرکبیر، 1371 هـ.ش.
- 9- نراقی، احمد، رساله دین شناخت مدلی در تحلیل ایمانی ابراهیمی، تهران: طرح نو، 1381 هـ.ش.
- 10- ولی زاده، وحید، روزنامه جام جم، 1388 هـ.ش.

ب) کتاب های عربی

- 11- ابن منظور، محمدبن مکرم، لسان العرب، بیروت: داراحیاء التراث العربی، 1418 هـ.ق.
- 12- جزری، محمدبن ابراهیم، تاریخ حوادث الزمان و انبائه و وفیات الاکابر و الاعیان من ابناؤه، ج 1، چاپ: بیروت، 1419 هـ.ق.

- 13- جوينی، عبدالملک، الارشاد الى قواطع الادله في اول الاعتقاد، چاپ اول، بيروت: دارالكتب العلميه، 1416هـ.ق.
- 14- راغب اصفهانی، حسين بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، بيروت: دارالاسلاميه، 1412هـ.ق.
- 15- سهروردی، شهاب الدين يحيى، حکمت الاشراق، چاپ هفتم، انتشارات دانشگاه تهران، 1383 هـ.ش.
- 16- سيدرضی، محمدبن حسين، نهج البلاغه، قم: انتشارات هجرت، 1414هـ.ق.
- 17- شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، چاپ دوم، قم: انتشارات جامعه مدرسين، 1363هـ.ش.
- 18- شيخ مفيد، ابو عبدالله محمدبن بن نعمان، اوائل المقالات في المذاهب المختارات، ج1، بيروت: دارالمفيد، 1414هـ.ق.
- 19- طباطبائي، محمدحسين، تفسير الميزان، ترجمه محمدباقرموسوی، دفتر انتشارات اسلامي، قم، (بی تابا).
- 20- _____، سنن النبي، ترجمه: محمدهادی فقهی، قم: انتشارات اسلامي، 1360 هـ.ش.
- 21- _____، الإنسان والعقيدة (رسالة على ^(عليه السلام) و الفلسفة الالهية)، نرم افزار علامه طباطبائي، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامي.
- 22- _____، بدایه الحکمه، چاپ پنجم، قم: موسسه نشر اسلامي، 1420هـ.ق.
- 23- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، چاپ سوم. تهران: دارالکتب الاسلاميه، 1388 هـ.ش.
- (ج) مقاله ها
- 24- بداشتی، علی اله، پیرهادی، محسن، جایگاه عقل در دین شناسی از دیدگاه علامه طباطبائي و ابن تیمیه، دو فصلنامه علمی پژوهشی، سال 9، شماره 16، بهار 1396
- 25- بدخشان، نعمت الله، تحلیل مفهومی ایمان و بررسی مبانی و ویژگی های آن در قرآن و صحیفه سجادیه، مدرسه نور الثقلین، سال 5، شماره 9، پاییز 92

26-حیدری، علمداد، مطالعه موردی بر مبنای رابطه عقل، دین و فطرت از دیدگاه
علامه طباطبائی، دو فصلنامه یافته های اقتصادی، سال 2، شماره 3، بهار 1401